

بروشور اصول مدیریتی (اصول مدیریت دانش)



❖ مدیریت دانش:

به عقیده ی بکمن (2004) مدیریت دانش راهکاری است برای دست یافتن به دانش، تخصص و تجربه که این امر قابلیت های جدید را برای سازمان فراهم می آورد و موجب عملکرد بهتر کارکنان سازمان می شود، نوآوری را تشویق کرده و در نهایت برای ذینفعان ارزش افزوده و مطلوب در پی دارد. در این بروشور به بررسی اصول مدیریت دانش که در مقاله ی داوینپورت آورده شده است، می پردازیم:

۱. مدیریت دانش نیازمند سرمایه گذاری است:

دانش نوعی دارایی است و اثربخش بودن آن مستلزم سرمایه گذاری می باشد. این سرمایه گذاری می تواند مادی و یا غیر مادی باشد. برای مثال آموزش کارکنان نیازمند تخصیص منابع مالی و همچنین زمان می باشد.

۲. مدیریت دانش کارا مستلزم پیوند انسان با فناوری است:

نیروی انسانی توانایی خلق و پردازش دانش و مهارت را دارد. فناوری و سیستم های اطلاعاتی (مانند رایانه) توانایی حفظ، تحلیل، ذخیره، کنترل و... را دارند که ما می توانیم با ترکیب نیروی انسانی و فناوری به پیامدهای مثبت در سازمان دست یابیم.

۳. مدیریت دانش، سیاسی است:

دانش نوعی قدرت محسوب می شود که با پول و موفقیت همراه است. همچنین با گروه های فشار، ائتلاف ها و تعاملات سیاسی ارتباط دارد. در برخی از سازمان ها، مدیران دانش نقش گروه های فشار را دارند و رابط صاحبان دانش و استفاده کنندگان آن هستند. همچنین رهبران سطوح بالاتر که انتخاب کنندگان رویدادها و استراتژی ها هستند، تحت تاثیر قرار می گیرند.

۴. مدیریت دانش، نیازمند مدیران دانش محور میباشد:

این فرآیند زمانی اثربخش خواهد بود که مدیرانی پاسخگو و داناتر از بقیه ی سازمان داشته باشد. آنها باید اطلاعات را جمع آوری و طبقه بندی کنند، زیرساخت های اطلاعاتی دانش محور ایجاد کرده و آنها را کنترل نمایند.

۵. ترسیم دانش، مزایای مدیریت دانش را ایجاد می کند:

ترسیم دانش باعث ایجاد نقشه های ذهنی می شود که ما بر اساس آن عمل میکنیم. این نقشه ها و مدل های ذهنی به عنوان فیلترهایی هستند که به ما می گویند اطلاعات را چگونه ببینیم.

۶. تسهیم و استفاده از دانش ذاتی نمی باشد:

افراد تمایل ذاتی برای پنهان کردن دانش خود از نگاه دیگران دارند و مدیران با پذیرش این

امر باید از روش های سنتی به عنوان عامل انگیزشی افراد استفاده کنند(مانند سیستم پاداش و ارزیابی عملکرد).

۷. مدیریت دانش، بهبود فرآیندها را به دنبال دارد:

بهبود فرآیندها مستلزم اختیار و آزادی عمل افراد برای استفاده از دانش خود در کارها و وظایفشان می باشد. لازمه ی این امر کاهش دخالت های از بالا به پایین در سازمان است.

۸. دستیابی به دانش، تنها ابتدای راه است:

در مدیریت دانش باید مورد توجه و بهبود مستمر قرار گیرد. افراد باید روش های مدیریت دانش را در فعالیت های روزمره ی خود به طور دائمی به کار گیرند.

۹. مدیریت دانش هرگز به پایان نمی رسد:

نیازهای دانشی انسان همواره مورد تغییر قرار می گیرد و هیچ گاه نمی توان تعیین کرد که

چه زمانی برای پایان دادن به این فرآیند کافی است. در نتیجه مدیران دانش وظیفه ای مستمر و دائمی دارند.

۱۰. مدیریت دانش به قرارداد دانشی نیاز دارد:

دانش به عنوان منبعی مهم، نیازمند قوانین و الزامات خاص خود می باشد. قوانین مربوط به حفظ مالکیت معنوی موجب قانونمند کردن دارایی دانش شده است.

